



حاج قاسم

روندسازی کاریزما

مصطفی رضایی
کارشناس مسائل سیاسی

بسترکنشگری فعال، متوالی و متداوم در جامعه انقلابی شد؛ این شاگله منبعث از روح عمیقی است که جریان دارد.

نکته دیگر اینکه سالگرد شهادت حاج قاسم و تشییع تاریخی ایشان می تواند نماد غیرت و همبستگی دینی باشد. در واقع می توان این گزاره را برای آن روز تلقی کرد. بدیهی است غیرت دینی هم می تواند پدیده ای قابل لمس باشد و در حضور مردم در حمایت از انقلاب اسلامی و ارزش های آن معنا یابد و هم می تواند عنصری قابل استناد باشد تا با تقویت روحیه ملی و میهنی نیز تقویت شود. به عبارتی غیرت دینی اعم از هویت ملی و میهنی است و در عرصه کلان و جهان اسلام نیز قابل پردازش است. عنصری که با دو خاصیت تحول گرایی و کنشگری می تواند زمینه ساز جریان تاریخی اثرگذار در بستر انقلاب اسلامی ایران در آینده نیز شود. مؤلفه ای که هم در عرصه کلان نمرساز است هم در عرصه داخلی می تواند اثرگذار و جریان ساز باشد. ماهیتی که قابل تعمیم و تجربه انگاری برای تمامی مسلمانان است. در واقع سرمشقی برای تعالی مسلمانان در همه دوران است. بنابراین می توان با افتخار رویداد تشییع تاریخی شهید سلیمانی با الهام از روندسازی حاج قاسم، الگویی برای تعمیق روحیه انقلابی و بستری برای نهادینه کردن شاگله غیرت دینی محسوب شود و نکته آخر اینکه شخصیتی که مردمی تلقی شود هیچ گاه فراموش نمی شود. تشییع تاریخی شهید سلیمانی نیز نشان داد یاد حاج قاسم در اذهان باقی خواهد ماند و رمز مقاومت مردمی خواهد شد که خواهان صلح و آرامش هستند؛ مردمی که می خواهند از ظلم دین ستیزان رها شوند. مردم همواره حاج قاسم را به عنوان مردی جهانی و جاودانه به خاطر خواهند سپرد.

که تشییع تاریخی شهید سلیمانی نماد مردمی بودن یک رویداد بود؛ رویدادی که تبلور غیرت دینی و عقلانیت پایدار انقلابی نیز بود. با توجه به آنچه گفته شد چند نکته به ذهن می رسد؛ نخست اینکه حاج قاسم سلیمانی شاگله و مختصات کاریزماتیکی داشت که در قرن اخیر از مردان جنگی و نظامی کمتر انتظار می رفت؛ این شخصیت کاریزماتیک اقتداری فراگیر داشت و با این ویژگی حاج قاسم نه تنها متعلق به مردم ایران که متعلق به تمامی مردمانی بود که از خدمات ایشان بهره برده بودند. شخصیتی جهانی که نیاز به ساخته شدن و پرداختن از جانب رسانه ها ندارد بلکه متعلق به افکار و اذهان مردم است؛ دوم اینکه حاج قاسم سلیمانی با روحیه غنی انقلابی، نه تنها روند و بساطت کفر را از بیکر منطقه زدود که خود روند ساز بود؛ حاج قاسم روند ساز رهایی و آزادی بود. رهایی و آزادی از جریان کفر داعش و ملعونان ضد دین. در واقع هر جاسخن از حاج قاسم است سخن از روندی است که باید تکرار و دنبال شود. روند رهایی، آزادی، آزادگی، شهادت و جوانمردی. بیهوده نیست که در تشییع تاریخی شهید سلیمانی سراسر مردم ایران گردهم آمده بودند. آنها در مراسم یک روند ساز کاریزما شرکت کرده بودند که کلیدواژه امنیت را برای آنها معنا داده بود. نکته دیگر اینکه تشییع تاریخی شهید سلیمانی بستر ساز کلیدواژه های غیرت دینی و تعمیق روحیه انقلابی و عقلانیت بود و هم آن رویداد بزرگ معلول این کلیدواژه ها. نکته دیگر اینکه حاج قاسم سلیمانی شخصیتی بود که خود تحول ساز بود؛ بدیهی بود که در روز تشییع تاریخی شهید سلیمانی مردمی که شرکت کرده بودند به مثابه کنشگرانی بودند که زاده همین روند تحول سازی و تحول گرایی به حساب می آمدند. در واقع آن روحیه تحول گرما منع و

تشییع تاریخی شهید سلیمانی مهم ترین رویدادی است که در سالگرد آسمانی شدن ایشان بیشتر در ذهن ها مرور می شود؛ تصویری از یک گردهمایی باشکوه مردمی و تجلی ساز غیرت دینی؛ غیرتی که با عقلانیت همراه بود؛ غیرتی که خود موجب تبلور ایمان دینی مردم نیز شد؛ غیرتی که هم یکی از نتایج آن رویداد بزرگ بود و هم باعث شکل گیری آن بوده است. به بیان دیگر تشییع تاریخی شهید سلیمانی خود بستر ساز علت و معلول های غنی بوده که از جمله آنها عمق بخشی به روحیه انقلابی، بروز غیرت دینی و عقلانیت سرشار است. با این حال آنچه در آن روز بزرگ پراهمیت تر به نظر می رسد، نفوذ و غلبه روح کاریزماتیک مردی است که توانسته بود برای مردمان بی شماری اثرگذار باشد. به عبارتی از نظر افکار عمومی، این حاج قاسم بود که تاریخ داعش ملعون را در هم پیچید و تاریخ رهایی و آزادی را برای مردمی ظلم دیده رقم زده بود. در این نگاه، حاج قاسم تنها از دیدگاه رسانه های غربی ژنرالی پرا بهت معنا نداشت که شخصیتی فراگیر و متعلق به مردمی بود که او را دوست می داشتند و ناجی خود می پنداشتند. این شاگله شخصیتی در وجود فردی دیده می شد که نظامی و مردی جنگی بود؛ البته در تاریخ کمتر مردی چون حاج قاسم پیدا می شود که دارای تمام صفات مطلوب و مؤثری باشد که بتواند در عین اینکه نظامی است، یاریگر مردم نیز باشد چرا که نظامیان و جنگاوران در صحنه نبرد معنا می شوند اما حاج قاسم نه تنها توانست روند اسفناکی چون سلفی گری داعش و حکمرانی آنها را به تاریخ پیوند زند در عین حال خود در میان مردم ظلم دیده و بحران دیده می آمد و دلجویی می کرد. در واقع هم مردمی بود و هم مرد جنگ؛ به عبارتی آنچه همه خوبان داشتند حاج قاسم همه را یکجا داشت؛ اینگونه بود



ماهیتی که قابل تعمیم و تجربه انگاری برای تمامی مسلمانان است. در واقع سرمشقی برای تعالی مسلمانان در همه دوران است. بنابراین می توان با افتخار رویداد تشییع تاریخی شهید سلیمانی با الهام از روندسازی حاج قاسم، الگویی برای تعمیق روحیه انقلابی و بستری برای نهادینه کردن شاگله غیرت دینی محسوب شود و نکته آخر اینکه شخصیتی که مردمی تلقی شود هیچ گاه فراموش نمی شود. تشییع تاریخی شهید سلیمانی نیز نشان داد یاد حاج قاسم در اذهان باقی خواهد ماند و رمز مقاومت مردمی خواهد شد که خواهان صلح و آرامش هستند؛ مردمی که می خواهند از ظلم دین ستیزان رها شوند. مردم همواره حاج قاسم را به عنوان مردی فرادپلماتیک، جهانی و جاودانه به خاطر خواهند سپرد